

راهکارهای مبارزه با اقتصاد سیاه و خاکستری

بالا تر از سیاهی هم رنگی هست

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با مهندس محمدصادق مفتاح، معاون وزیر بازرگانی، در ارتباط با اقتصاد زیرزمینی و قاچاق

اقتصاد ایران: عموماً چه مسایلی سبب می‌شوند تا بازار سیاه، یا همان اقتصاد زیرزمینی در یک کشور اتفاق بی‌افتد؟



در تعاریف اقتصادی یک بازار سیاه داریم و یک بازار خاکستری که همان ترجمه Black Market و Gray Market هستند. بنا بر مبانی نظری، بازار سیاه زمانی اتفاق می‌افتد که یک کالا یا نحوه توزیع آن در جامعه غیرمجاز شمرده شود، در حالی که نیاز به این کالا در بازار وجود دارد. مثلاً مواد مخدر اینگونه است. دولت آن را غیرمجاز می‌داند، اما برای

این مسیری است که همگان رفته‌اند و قوانین کاملاً مشخصی دارد. بحث کاهش نقش دولت در فعل تجاری که همان اجرای اصل ۴۴ است، یکی از ریشه‌های اصلی آن است. دومین بحث، مسأله روان‌سازی اقتصاد است که باید آن را به انجام برسانیم، چراکه هرچه در این مسیر، دست‌انداها بیشتر باشند، فضا برای رانت بیشتر ایجاد می‌شود. به عنوان مثال فرض کنید به هر دلیلی تقاضای سیب‌زمینی بالا یا پایین رفته باشد. حال اگر اقتصاد روان نباشد، فضای رانت به وجود می‌آید که برخی با احتکار به افزایش قیمت آن دست می‌زنند، اما اگر اقتصاد روان باشد، می‌توان این حجم مازاد تقاضا را با واردات پوشش داد.

آن تقاضا وجود دارد. همچنین در برخی موارد، توزیع برخی کالاها مثلاً با حواله وزارت بازرگانی سبب می‌شود در کنار آن یک سیستم بازار سیاه به وجود آید. هم بازار سیاه و هم بازار خاکستری از عوامل اصلی به وجود آمدن اقتصاد سیاه و نامرئی در یک کشور هستند و این بستگی به سهم این نوع کالاها در یک اقتصاد دارد و در این رابطه، فلسفه پولشویی برای کنترل بازار سیاه و خاکستری شکل گرفته است. اما بازار خاکستری با بازار سیاه تفاوت دارد.

در بازار خاکستری، یک کالا نه خودش غیرمجاز است و نه نحوه توزیع آن. اما از طریق یک سری دست‌های نامرئی در بازار، بحثی به نام انحصارها به طور کاذب به وجود می‌آید که توازن عرضه و تقاضا را برای به دست آوردن سودی غیرمعقول به هم می‌زند. این را هم بدانید که در اینجا اصلاً گرانی مدنظر نیست، چرا که در برخی موارد، تقاضا از عرضه پیشی می‌گیرد که از طریق نظام متعادل‌کننده بازار، قیمت به حالت طبیعی خود بازمی‌گردد. اما انحصارها و دامپ کردن در یک اقتصاد منع دارد و همواره اقتصادهای تراز اول جهان، از طریق قوانین ضد دامپ و ضد انحصار نمی‌گذارند سهم یک بنگاه در اقتصاد از حد خاصی فراتر رود، چراکه نمی‌خواهند این بنگاه، سیاست‌گذار آن بازار شود و با قیمت‌گذاری ناصحیح، قیمت‌ها را به جایی برساند که ربطی به عرضه و تقاضا ندارد.

در حالی که بر اساس ارزش ریالی پرونده‌های قاچاق ثبت شده در گمرک، استان هرمزگان با رقم ۲ هزار و ۴۱۱ میلیارد ریال، معادل ۴/۸ درصد از کل سهم بهای پرونده‌های قاچاق ثبت شده را به خود اختصاص داده و از این حیث در جایگاه اول قرار دارد. همان‌طور که بیان شد، عدم برخورداری از قدرت اطلاعاتی در ارتباط با ورود و خروج کالا در مرزهای کشور به همراه وجود مناطق آزاد تجاری و عدم محدودیت‌های قانونی بجا از مهمترین دلایل این حجم انبوه قاچاق کالا در کشور است. متأسفانه باید اذعان داشت که ارقام مذکور، تنها اندکی از حجم واقعی قاچاقی است که به کشور وارد می‌شود. در این باره، حمید حسینی، عضو اتاق بازرگانی ایران اظهار داشت در حال حاضر، تنها ۱۰ درصد قاچاقی که به کشور وارد می‌شود در اسناد گمرک ثبت می‌شوند. حال اگر مطابق با آمار منتشره از سوی گمرک کشور در اسفند ۸۷ بهای مال پرونده‌های ثبت شده قاچاق - به ارزش بیش از ۱۰ میلیون ریال - را معادل ۴ هزار و ۸۳۰ میلیارد ریال در نظر بگیریم، می‌باید با احتساب تنها ۱۰ درصد قاچاق مکشوفه، رقم کل کالای قاچاق وارد شده به کشور را معادل ۴۸ هزار و ۳۰۰ میلیارد ریال بدانیم که این رقم معادل ۹/۴۳ درصد محصول ناخالص داخلی است. به عنوان راه حل، علاوه بر اصلاح همزمان نظام پولی و ارزی کشور، می‌باید توجه ویژه‌ای به تولیدکننده و قوانین حوزه صادرات و واردات صورت پذیرد، چرا که به طور حتم با کاهش موانع صادراتی و وارداتی، اقلام زیادی از کالاهای قاچاق حال حاضر از مسیر قانونی رد و بدل خواهند شد. همچنین می‌باید با خلق قوانین بجا - نه صرفاً افزایش بی‌مورد بوروکراسی - ریسک قاچاق را در کشور بالا برد. در حال حاضر، کشورمان جزو مناطقی محسوب می‌شود که ریسک پایینی برای قاچاق دارد که همین مورد عاملی برای تحریک و تهییج بیشتر قاچاقچیان بوده است.

متأسفانه علاوه بر صور گوناگون قاچاق کالا در کشور، هم مرز بودن کشورمان با افغانستان که مهد کشت افیون جهان است، سبب شده تا علاوه بر ترانزیت مخدر از کشورمان به اروپا و آمریکا، شاهد توزیع بخشی از آن در کشور باشیم که اثرات جبران ناپذیر اقتصادی و اجتماعی آن، توجه بیشتر مسئولان را می‌طلبد. ■



حمایت آن را سرپا نگه داشت؟ تا وقتی که اقتصاد

روان نداشته باشیم، صنعت سرپا و اقتصاد رقابتی هم نخواهیم داشت. وقتی هوا سرد است، نمی‌توان هوای بیرون را گرم کرد، اما می‌توان با پوشیدن لباس گرم، خودمان را تقویت کنیم. باید در نظر داشت اگر به هر بهانه‌ای اقتصاد روان نداشته باشیم، بازار سیاه و خاکستری به وجود می‌آید. اما بحث سوم، مسأله ضدانحصار و شکستن انحصار است. انحصار دولتی بد و انحصار خصوصی از آن بدتر است. وظیفه دولت و وزارت بازرگانی، نظارت بر عدم شکل‌گیری انحصار در بازار است که با اجرای درست آن، یک بازار رقابتی به وجود می‌آید.

اقتصاد ایران: آیا می‌توان در میان‌مدت به این اهداف دست پیدا کرد؟ راه دستیابی به آن به چه ترتیب است؟

خوشبختانه شروع این حرکت به برنامه چهارم برمی‌گردد. در آنجا بیان شد برای واردات، غیر از ابزار تعرفه‌ای هیچ منعی وجود نخواهد داشت. صادرات هم همین‌طور. اما باز هم عرض می‌کنم باید به روان‌سازی اقتصاد بسیار توجه کرد.

مثلاً الان برای ورود گوشت و مرغ باید یک ناظر و دامپزشک برای کشتار به محل مورد نظر ارسال شود. پس از تأیید این دامپزشک، محموله به بندرعباس می‌آید، اما در آن موقع باید یک دامپزشک دیگر بیاید و نمونه‌ای از این محموله را به آزمایشگاه برده و دوباره آن را تأیید کند تا مجوز ورود به این محموله داده شود. همین امر سبب می‌شود که حداقل ۱۰ روز کشتی در بندر بماند و این به معنای اقتصاد غیرروان است. در هیچ جایی از دنیا این‌گونه عمل نمی‌کنند. تمام کشورها از یک‌سری مؤسسات بازدیدکننده (Surveyer) استفاده می‌کنند و به آنها استانداردهای کشورشان را می‌گویند و این مؤسسات با تطبیق کالای موردنظر با این باید‌ها و نباید‌ها، اجازه ورود یا عدم آن را به کشور صادر می‌کنند. ما هم باید همین کار را بکنیم. حال اگر با مشکلی برخورد کردیم، می‌توانیم سراغ شرکت مزبور برویم. اما این شرکت‌ها - که بانک مرکزی لیستی از آنها را در اختیار دارد - هیچ‌گاه به کارشان بی‌توجه نیستند، چراکه تمام آنها نزد بانک مرکزی، معادل ۵۰۰ هزار دلار نقد گرو گذاشته‌اند. علاوه بر آن، این مؤسسات هیچ‌گاه مایل نخواهند بود تا با بی‌مسئولیتی، اعتبار بین‌المللی خود را از دست دهند.

اقتصاد ایران: بعضاً فساد اقتصادی برخی مسؤولان باعث به وجود آمدن چرخه اقتصاد زیرزمینی خواهد شد. آیا اصلاً با این مقوله موافقت می‌کنید؟ اگر این‌گونه است راه‌حل را چگونه می‌دانید؟

یک مسؤول دولتی، اختیار باید و نباید دارد که این می‌تواند فسادآفرین باشد. مسؤول دولتی و دولت نباید بازیگر باشند و تنها باید نقش بازیگرانی را بر عهده داشته باشند. حال هرچه کشور از نظر اقتصاد بین‌الملل بسته‌تر باشد، این مقوله هم بیشتر نمو



انارشستی است. اقتصاد باید اقتصاد آزاد قانونمند باشد، چرا که در یک اقتصاد بی‌قانون، "دست‌های نامردی"، سریع‌تر از دست‌های نامردی معروف آدم اسمیت رشد می‌کنند. دولت باید با یک بانک اطلاعاتی قدرتمند به حساب بازرگانی توجه داشته باشد و بداند که در بازار چه اتفاقی می‌افتد.

اقتصاد ایران: فرارهای مالیاتی چه تأثیری بر شکل‌گیری بازار سیاه دارند؟

عدم شفافیت در بازار سبب فرار مالیاتی می‌شود. انسان موجودی است اقتصادی و همواره سعی می‌کند که هزینه‌اش را کم و سودش را زیاد کند. مالیات برای او یک هزینه به حساب می‌آید. در هیچ کجای دنیا کسی داوطلب پرداخت مالیات نیست و اگر هم مالیات می‌دهند به خاطر شفافیت اقتصادشان یا همان Transparency است. در این بین نباید نظام مالیاتی را از نظام بازرگانی جدا بدانیم. اگر نظام بازرگانی شفاف نباشد، کار مؤدیان مالیاتی سخت‌تر می‌شود و در نهایت مجبور خواهیم شد نرخ مالیات را افزایش دهیم که همین مورد، اقتصاد

زیرزمینی را تشدید می‌کند. در این رابطه به عقیده من، مالیات بر ارزش افزوده یک اقدام بسیار مهم و تأثیرگذاری بود که صورت پذیرفت.

اقتصاد ایران: پولشویی پدیده منحوسی است که اثرات بدی بر اقتصاد دارد. علاوه بر دارایی‌های حاصل از جرم و جنایت، نقش فرارهای مالیاتی را در آن چگونه ارزیابی می‌کنید؟ و در کل راه‌های مبارزه با آن را در چه مواردی می‌دانید؟

فرارهای مالیاتی کمترین نقش را در پولشویی دارند و این مسأله، بیشتر در حوزه تجارت‌های کثیف صورت می‌پذیرد و نظام مالیاتی کمک چندانی به آنها نمی‌تواند بکند. بانکداری الکترونیکی و گسترش بستر آن در کشور که البته در حال توسعه است، از بهترین راه حل‌ها به حساب می‌آید. هرچه منبع اصلی پول، بیشتر قابل بررسی و رصد باشد، مبارزه با پولشویی هم بیشتر مثمر خواهد بود.

اقتصاد ایران: قاچاق از دیگر پدیده‌های منفی حوزه فعالیت‌های زیرزمینی است که تأثیر زیادی بر اقتصاد می‌گذارد. در این بین یکی از مهمترین موارد قاچاق در ارتباط با بنزین است. چه تحلیلی

پیدا می‌کند که البته این مسأله ذات این کار است. حتی در اقتصادی مثل ایالات متحد هم وقتی در برخی موارد سیاست دولتی در اقتصاد می‌گذارند، فساد به وجود می‌آید. فارغ از ایدئولوژی‌های حاکم بر کشور، زمانی که شیرهای کنترلی برای اقتصاد می‌گذاریم و کانال‌های مختلف به صورت غیرطبیعی از آن بهره‌مند می‌شوند، طبیعی است که این مشکل هم به وجود آید. راه‌حل آن است که دولت از فعل تجارت و بازرگانی خارج شود و تنها سیاست بازیگرانی داشته باشد.

اقتصاد ایران: قوانین محدودکننده در یک اقتصاد از مسایلی است که برخی از اقتصاددانان معتقدند باعث به وجود آمدن اقتصاد زیرزمینی می‌شود. اما به هر حال کشور هم نیاز به یک‌سری از قوانین مدنی و اجتماعی برای اداره اقتصاد دارد. نظر شما در این رابطه چیست؟

اقتصاد آزاد با "اقتصاد ول" دو مقوله جدا است و با هم فرق دارند. خدمتتان عرض کردم که دولت باید به عنوان بازیگردان فعال باشد، نه بازیگر. اما این که دولت اصلاً وجود نداشته باشد، صحیح نیست و کسی هم در دنیا وجود ندارد که به آن عقیده داشته باشد. این به مثابه یک اقتصاد

تبعات مثبت و منفی اقتصاد زیرزمینی

خوب، بد و زشت!

از این مسأله دارید؟

با یک پیش زمینه به سؤال شما پاسخ می‌دهم. در علم مکانیک، اختلاف فشار سیال درون یک مخزن و خارج از آن بسیار مهم است. هرچه این اختلاف بیشتر باشد، هم باید از آلیاژ ضخیم‌تری استفاده کنیم و هم باید درصد بیشتری را برای نشت سیال در نظر بگیریم.

عین همین مسأله هم در یارانه‌ها وجود دارد. وقتی بنزین در داخل کشور ۱۰۰ تومان و در خارج از مرزها فراتر از ۳۵۰ تومان باشد، متحمل فشار است. اگر فشار آن را متعادل و یکسان‌سازی کنیم، دیگر نشتی نخواهیم داشت که مسأله قاچاق هم حل خواهد شد.

اقتصاد ایران: آیا آزادسازی قیمت بنزین تبعات منفی برای قشر کم‌درآمد جامعه ندارد؟

خیر. به سؤال شما این گونه جواب می‌دهم؛ ما یک عدالت داریم. یک درجه پایین‌تر از آن، مساوات و در درجه بعدی ظلم. اگر هر کس، هرچقدر که قدرتش برسد بخواهد از یارانه انرژی استفاده کند به معنای ظلم است. باید یارانه‌ها به هرکس که مستحق‌تر است تعلق بگیرد. مصرف انرژی یک روستایی بسیار کمتر از یک آدم ثروتمند در کلان‌شهری نظیر تهران است. اگر هدفمندی انجام پذیرد، هم به عدالت می‌رسیم و هم قاچاقی که در سؤال قبل اشاره داشتید حل خواهد شد.

اقتصاد ایران: اما بر اساس اطلاعات موجود، دهک پایین درآمدی جامعه، رقمی معادل ۶۰ تا ۷۰ درصد بودجه خود را صرف مواد غذایی می‌نمایند. حال اگر یارانه‌ها برداشته شوند، بالطبع تولیدکننده کالاهای اساسی نظیر قند و شکر و یا مواردی از این قبیل، به دلیل افزایش هزینه‌های خود، اقدام به افزایش قیمت خواهد نمود که همین مسأله زندگی این افراد را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظرتان در این رابطه چیست؟

بله با این حرف شما کاملاً موافقم. به همین دلیل هم، دولت وقت بسیاری روی اجرای این مسأله انجام داده و البته انجام خواهد داد. نحوه اجرای این مقوله، خود اهمیت بسیاری دارد. اجرای بازپرداخت نقدی یارانه‌ها یکی از راهکارهای موجود است که اگر درست انجام نشود، علاوه بر مسأله‌ای که شما فرمودید، حتی می‌تواند به افزایش تورم هم منجر شود.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■

رشد فعالیت در بخش غیررسمی، اگر چه حاصل سیاست‌های غلط دولت است، اما پیامدهای مثبت آن نیز تأمل برانگیز است.

اصلاح نظام مالیاتی در کنترل اقتصاد غیررسمی و زیرزمینی مؤثر است، اما به هیچ وجه نمی‌تواند شرط کافی باشد. پس باید سیاستی چند وجهی اتخاذ شود که قبلاً اثرات منفی آن در سایر بخش‌های اقتصادی کاملاً بررسی شده باشد. به عنوان مثال، فرانسه و آلمان برای کنترل نرخ بیکاری به کاهش ساعات کار در بخش رسمی اقدام کردند تا از این طریق به رشد اشتغال کمک کنند، اما این مسأله به رشد پدیده اقتصاد سایه در این دو کشور منجر شد. با کاهش ساعات کاری نیروی کار، جدای از رشد اشتغال - که البته راه درمان بیکاری نبوده و فقط در کوتاه‌مدت پیامدهای آن مثبت ارزیابی می‌شود - عملاً راه ورود نیروی کار به بخش غیررسمی باز شد. بر اساس گزارش بانک جهانی در اواخر دهه ۹۰ میلادی، ۳۵ ساعت کار در هفته برای بازار کار آلمان و فرانسه در نظر گرفته شد و این کاهش ساعات کاری نیروی کار در بخش رسمی به افزایش اقتصاد غیررسمی آلمان و فرانسه، به ترتیب معادل ۲/۱۱ و ۴/۳۶ درصد GDP در سال ۲۰۰۰ منجر شد. حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، بهره‌مندی از شبکه ارتباطات، گسترش آن برای شناسایی بهتر و عملکرد مناسب‌تر برای کنترل بخش غیررسمی و زیرزمینی اقتصاد از تأثیرگذارترین سیاست‌های این مقوله است.

پیامدهای مثبت!

اقتصاد غیررسمی و زیرزمینی، علیرغم نکات

طرح ماه



منبع: ماهنامه «اقتصاد ایران» از Forbidden Planet

دقت نظر در اقتصاد کشورهای جهان نشان می‌دهد بعضی فعالیت‌های غیررسمی - عموماً از نوع فرارهای مالیاتی و فعالیت‌های غیرقانونی - وجود دارد که در همه جای جهان گریزناپذیر بوده و به فرارهای مالیاتی و قوانین بازدارنده حکومتی باز می‌گردد. متأسفانه این نوع فعالیت‌ها سال به سال در حال گسترش و نمو است. یکی از مهمترین اثرات منفی این فعالیت‌ها در سیاست‌های توسعه اقتصادی دولت است. با افزایش حجم فعالیت‌های غیررسمی، دامنه تراز درآمد-مخارج دولت متلاطم می‌شود که پیامد آن در دو بُعد قابل بررسی است. در بُعد اول از آنجا که بخش اعظمی از اقتصاد ایران دولتی یا شبه دولتی است، عمده درآمدهای دولت کاهش می‌یابد و به تبع آن سرمایه‌گذاری‌های مولد درون جامعه رو به افول می‌رود. پیرو این مسأله، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه نظیر ضریب جینی - که به محاسبه توزیع ثروت و عدالت در میان مردم می‌پردازد - افزایش می‌یابد. در نهایت، دولت به دلیل کاهش درآمدهای خود با کسری بودجه مواجه می‌شود و احتمالاً، با چاپ اسکناس‌های بدون پشتوانه، تورم تورم داخلی را داغ‌تر می‌کند. در این بین، افزایش اختلاف طبقاتی و گسترش فقر در جامعه را نباید از یاد برد. بُعد دوم مسأله با رشد کسری بودجه دولت و تلاش برای برقراری تعادل میان درآمدها و هزینه‌ها و در نتیجه افزایش نرخ‌های پایه مالیاتی است. نتیجه این افزایش مالیات، چیزی جز رشد مجدد اقتصاد غیررسمی نخواهد بود.

دیگر تبعات منفی بخش غیررسمی را می‌توان در بازار نیروی کار بررسی کرد، با افزایش حجم بخش غیررسمی، زمینه فعالیت نیروی کار در بخش غیررسمی مهیا می‌شود که خود سرآغازی بر افزایش مشکلات اجتماعی و اقتصادی است. بر اساس برآورد کارشناسان واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، میانگین رشد اقتصاد غیررسمی و فعالیت‌های زیرزمینی در کشور طی ۳۰ سال گذشته، معادل ۱۴/۶۵ درصد محصول ناخالص داخلی (GDP) بوده است.

باید به این نکته توجه داشت که اگرچه